همشهری محله

هدیه‌های بزرگ فرهنگی به دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

عنایت‌الله مجیدی مدیر کتابخانه مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

اساس شکل‌گیری کتابخانه مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، در بدو تاسیس، با اهدای مجموعه کتاب‌های کتابخانه شخصی محمدکاظم موسوی بجنوردی، رئیس مرکز، اتفاق افتاد. پس از آن و به‌تدریج فرهیختگان و اندیشمندان دیگری با اهدای کتابخانه‌های شخصی‌شان به غنای این مجموعه افزودند، از جمله مجموعه کم‌نظیر خاندان سلطانعلی سلطانی (شیخ‌الاسلامی بهبهانی) که در سال ۱۳۶۸ به این مرکز اهدا شد شامل حدود ۴ هزار جلد کتاب چاپی، ۵۷عنوان مجله و روزنامه قدیمی، حدود ۵۳۷مجلد در ۱۲۵۹عنوان نسخه خطی و تعداد قابل توجهی یادداشت‌های چاپ‌نشده.

اسامی بزرگانی که کتابخانه‌های تخصصی خود را به این مجموعه هدیه کرده‌اند بسیار زیاد است و اکنون مشخصات و اسامی ۱۷۵ نفر از اهداکنندگان کتابخانه‌های شخصی و شرح کتاب‌ها و نسخ خطی و چاپی، یادداشت‌ها، گزارش‌ها، نامه‌ها و مجلات قدیمی با جزئیات و به دقت در ۲ مجلد ۱۲۵۰ صفحه‌ای زیر چاپ است. ذکر نام این عزیزان در این یادداشت نمی‌گنجد، ولی به‌عنوان نمونه می‌توان به ایرج افشار با اهدای بیش از ۲۴هزار جلد کتاب، فریدون آدمیت، شفیعی کدکنی، فریدون مشیری، ژاله آموزگار، محمدجواد حجتی کرمانی، عبدالحسین زرین‌کوب، احمد منزوی، احمد آخوندی، مهیار خلیلی، منوچهر مرتضوی، پروفسور ریچارد بولت، ارباب جمشید جمشیدی و... اشاره کرد.

در این میان، داستان‌های جذابی هم از نحوه اهدای کتابخانه‌ها وجود دارد که گفتن آنها خالی از لطف نیست. از جمله قصه خرید و انتقال کتابخانه مؤسسه کانگاه بمبئی که خریداران غربی حاضر بودند مبالغ بسیار بالایی برای خرید آن بپردازند. از مرکز دایره‌المعارف اسلامی آقایان احمد تفضلی و حسن انصاری، با سفر به بمبئی و معرفی مرکز، موفق شدند این مجموعه نفیس را با حداقل قیمت که در واقع هزینه نگهداری آن بود، بخرند و به کتابخانه مرکز ملحق کنند.

ماجرای اهدای کتاب از سوی بعضی از بزرگان هم خواندنی است. به‌عنوان نمونه، عارف‌علی پاینده که دلبستگی خاصی به کتاب‌های خود داشت، به‌حدی که قادر نبود در زمان حیات آن را ببخشد، با مراجعه به دفترخانه و ثبت قانونی، کتابخانه شخصی‌اش را با بیش از ۱۳هزار جلد کتاب، بعد از فوت، به مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی بخشید.

آمار کل کتاب‌ها و مجله‌های چاپی و خطی کتابخانه‌ای که بدین‌سان شکل گرفت ۸۲۰هزار و ۸۵۹جلد تا پایان سال ۱۴۰۱ بوده است. افزون بر این، تعداد قابل توجهی فیلم، عکس، اسلاید، لوح فشرده، نشریه‌های ادواری، روزنامه‌ها و مجلات خارجی، اسناد، نامه‌ها و فرامین گردآوری‌شده از اسناد مهم تاریخی و علمی از داشته‌های این کتابخانه به‌شمار می‌رود.

اکنون کتابخانه این مرکز که در بدو تاسیس با اهدای کتاب شروع به کار کرد با تلاش‌های بی‌وقفه و همت والای بزرگان عرصه علم و فرهنگ کشور با سنت پسندیده اهدای کتاب در شمار یکی از معتبرترین کتابخانه‌های تخصصی کشور قرار گرفته است.

نخستین کتابخانه مدرن پایتخت

سال: ۱۳۰۲ / نشانی: میدان بهارستان

اولین کتابخانه مدرن ایران در میدان بهارستان تأسیس شد. مرتضی‌قلی‌خان هدایت، رئیس مجلس، دستور گردآوری کتاب‌های حقوق را داد. این روند تا دوره سوم مجلس ادامه یافت و ۲۰۲ جلد از کتاب‌های خطی میرزا ابوالحسن جلوه، عارف دوره ناصری و بعدتر هزار جلد از کتاب‌های اهدایی احتشام‌السلطنه گرد آمد. علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، می‌گوید: «ارباب کیخسرو، نماینده اقلیت زرتشتی دوره دوم مجلس، طرح ساخت کتابخانه را داد. راه‌اندازی کتابخانه در نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی، مصوب ۱۷ دی ۱۲۸۷ آمد. در سال ۱۳۰۲ عمارت عزیزیه، ساختمانی در ضلع شرقی باغ بهارستان، خریداری و قدیمی‌ترین کتابخانه مدرن شهر در آن بنا شد. گنجینه‌های کمیاب و تاریخی از کتاب‌های چاپی، سربی، سنگی و خطی، نشریه‌های اداری، سند ملی و بین‌المللی و... این مرکز را به یکی از معتبرترین کتابخانه‌های ایران تبدیل کرده است.

راسته تعطیل‌شده کتابفروش‌ها

سال: ۱۲۹۵ / نشانی: بازار تهران

کوچه حاج‌نایب را از نخستین راسته‌های کتابفروشان تهران می‌دانند. اغلب دانش‌آموخته‌های دارالفنون و مدرسه مروی کتاب‌هایشان را در این کوچه تهیه می‌کردند. نصرالله حدادی، تهران‌شناس، قدمت کوچه حاج‌نایب را بیش از ۱۰۰ سال می‌داند؛ «حاج رضا قمی نایب به تهران آمد و نخستین کتابفروشی را در این کوچه راه انداخت و خیلی زود در میان علما و دانش‌آموخته‌ها شهرت پیدا کرد و همه برای خرید کتاب‌های مذهبی به این کوچه می‌آمدند. تا ۳۰ سال، غیراز کتابفروشی حاج‌نایب قمی تنها به تعداد انگشتان دست کتابفروشی‌هایی در این کوچه وجود داشت اما از حدود سال‌های ۱۳۲۵ چند فروشنده بزرگ کتاب به اینجا آمدند. در دهه ۲۰ این کوچه به‌عنوان قطب فروش کتاب‌های مذهبی در ایران شناخته شد.

بوی مرکب و عطر کاغذ کاهی

بیستمین تور تهرانگردی مرکز تهران‌شناسی مؤسسه همشهری به معرفی نخستین‌های عرصه کتاب و نشر در پایتخت اختصاص دارد

در آستانه هفته کتاب و کتابخوانی به سراغ باسابقه‌ترین‌های حوزه تالیف و نشر در تهران رفتیم تا رد تاریخ کتاب را لابه‌لای قفسه‌های کتابفروشی‌ها و چاپخانه‌ها پیدا کنیم. در این تور سری زدیم به انتشاراتی‌هایی که بیش از یک قرن از قدمت آنها می‌گذرد و هنوز هم در این زمینه جزو نخستین‌ها محسوب می‌شوند. خیابان‌هایی مثل حاج‌نایب، ناصرخسرو، جمهوری و... تا صد سال قبل از اینکه خیابان انقلاب راسته کتابفروشان و مرکز خرید کتاب پایتخت باشد، نخستین مراکز عرضه این کالای فرهنگی به‌ویژه کتاب‌های مذهبی کشور بودند. در این تور نصرالله حدادی، تهران‌شناس، گردشگران را همراهی کرد.

چاپخانه پیام و دست‌های ناسور

نخستین مقصد گردشگری تور تهرانگردی مؤسسه همشهری کوچه پسکوچه‌های خیابان ناصرخسرو است. خیابانی که این روزها رنگ و روی کهنگی گرفته و دیگر خبری از آن هیاهو، بوی کاغذ و کتاب نو نیست. با وجود این، هنوز هم می‌توان بخشی از هویت تاریخی نخستین‌های تالیف و نشر کتاب را در پلاک ۳۶ انتهای بن‌بستی که کاشی لاجوردی‌رنگی با نوشته «چاپخانه پیام» روی سردر آن نقش بسته، یافت. چاپخانه پیام از سال ۱۲۹۳ آغاز به‌کار کرده و اکنون بیش از یک قرن قدمت دارد. سیدمهدی پیامی، مدیر چاپخانه پیام، می‌گوید: «پدربزرگم این چاپخانه را تأسیس کردند. آن زمان این چاپخانه دومین چاپخانه تهران بود. در آن دوران صحافی به ۲ روش انجام می‌شد. صحافی شومیز که جنس آن از کاغذ ضخیم بود و عطف کتاب هم با چسب بسته می‌شد و اگر عطف را می‌دوختند و جلد سخت بود گالینگور نامیده می‌شد.» او اضافه می‌کند: «بیش از ۱۶ نفر در این چاپخانه کار می‌کردند. در گذشته صحاف‌ها با دست کتاب‌ها را می‌دوختند و پوست دست ناسور و زخمی می‌شد و هرگز هم خوب نمی‌شد؛ این وضعیت گوشه‌ای از رنج و سختی‌های صحافانی بود که شب و روز در چاپخانه‌ها کار می‌کردند. در سال ۱۳۰۰ دستگاهی دستی، با نام ربعی، نخستین دستگاه چاپخانه پیام بود که به‌خاطر صدای زیادش به آن «تیپ توپ» می‌گفتند و به محض کمترین بی‌دقتی تیغ تیز آن دست و انگشتان را قطع می‌کرد.»

خداحافظی با دومین چاپخانه پایتخت

سیدمهدی پیامی، مدیر چاپخانه پیام، توضیح می‌دهد که در این چاپخانه روزنامه هم منتشر می‌شده، اما درباره کتاب می‌گوید: «در دهه ۵۰ حداقل تیراژ انتشار ۳هزار نسخه بود، هر چند که اغلب کتاب‌ها در ۵هزار یا ۱۰هزار تیراژ منتشر می‌شدند. اسلوب کار در چاپخانه‌ها به این صورت بود که اگر یک نسخه یا هزار تا چاپ می‌کردید، باید پول ۳هزار تا را می‌پرداختید، آن هم به‌خاطر اینکه بستن زینک به ماشین برای چاپخانه باید صرفه اقتصادی می‌داشت. روزگاری کتاب در این کوچه صفحه‌ای ۱۰شاهی قیمت می‌خورد، بعد به صفحه‌ای ۵ریال رسید و بین سال‌های ۵۵تا ۷۲-۷۳ حدوداً ۱۰برابر شد. این چاپخانه در طول زندگی ۳ نسل استوار بود، اما از دهه ۸۰به بعد یکدفعه از نفس افتاد. گران شدن کاغذ، مواد اولیه، مرکب، چسب و لوازم یدکی ماشین‌آلات چاپ باعث شد تا اسفند ۱۳۹۹ به‌دلیل مشکلات موجود در چاپ و نشر چاپخانه را تعطیل کنیم. در این چاپخانه حروفچینی، صحافی و لیتوگرافی هم انجام می‌شد.»

از تیمچه حاجب‌الدوله تا جمهوری

دومین مقصد تور تهرانگردی مؤسسه همشهری «انتشارات اقبال» است که با بیش از ۱۳۰ سال پیشینه در زمینه چاپ و نشر کتاب به‌عنوان یکی از نخستین‌های کتاب در تهران و کشور شناخته می‌شود؛ کتابفروشی‌ای که در سال ابتدایی دهه ۱۲۷۰ به واسطه علاقه حاج محمدرحیم خوانساری در حجره‌ای در تیمچه حاجب‌الدوله به راه افتاد و در دهه ۱۲۸۰ با توسعه و گسترش آن در خیابان جمهوری فعلی باعث شد تا تحولات شگرفی را در حوزه کتاب و موضوعات تخصصی دیگر رقم بزند. اکنون «سعید اقبال»، مدیرمسئول انتشارات اقبال و نسل سوم این خاندان، سکان هدایت این انتشارات باسابقه را به‌دست گرفته و خاطرات تاریخی کتابفروشی را اینگونه روایت می‌کند: «پدربزرگم بعد از اینکه از اصفهان به تهران آمد در مغازه عمویش شاگردی کرد. سپس یک کتابفروشی در حجره‌ای در تیمچه حاجب‌الدوله که آن دوران راسته کتابفروشی پایتخت بود، تاسیس کرد. او با خرید دستگاه چاپ سنگی در کنار فروش کتاب به همراه ۲ فرزندش محمدحسین و محمد، به انتشار کتاب هم پرداخت. این کتابفروشی هم مانند دیگر کتابفروشی‌ها در سال ۱۳۰۷ به سبب روند ساخت و توسعه شهری پایتخت به خیابان ناصرخسرو نقل مکان کرد. همچنین برای بار دوم این انتشارات به‌دلیل توسعه ساختمان وزارت دارایی در خیابان ناصرخسرو به خیابان جمهوری منتقل شد.»

ناصرخسرو؛ پاتوق کتابفروشان در سال ۱۳۰۰

مرکز اصلی خرید و فروش هر کالایی بازار تهران بود و عمده کتابفروشی‌های بازار تهران، در تیمچه حاجب‌الدوله و حلبی‌سازها بودند. نصرالله حدادی مکان و نام کتابفروشی‌های قدیمی خیابان ناصرخسرو را به گردشگران یادآوری و نقل می‌کند: «وقتی بازار توسعه پیدا کرد و خیابان‌کشی‌ها در ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۶ انجام شد، کتابفروشان به بَر خیابان بوذرجمهری، خیابان پانزده خرداد و بعد خیابان ناصرخسرو آمدند. از خیابان ناصرخسرو به خیابان باب‌همایون و بعد لاله‌زار و از آنجا هم به خیابان جمهوری اسلامی رفتند. تا دهه ۴۰ جلوی دانشگاه تهران هیچ خبری نبود. دورانی کوچه‌های ناصرخسرو، صوراسرافیل و باب‌همایون یکی از پررفت‌وآمدترین مراکز برای تهیه کتاب‌های مذهبی بودند. در همه کوچه پسکوچه‌های ناصرخسرو، بدون استثنا کتابفروشی بود. مانند کوچه خراسانی‌ها، کوچه دکتر مسعود، کوچه خدابنده‌لو (کتابفروشی حاج داود شیرازی و خاندان علمی). اما به مرور این خیابان از رونق افتاد و اغلب راسته‌های سنتی فروش کتاب همه از بین رفت و برخی از آنها به بهارستان و بعد به خیابان انقلاب نقل مکان کردند.

نخستین‌های کتاب در قدیمی‌ترین انتشاراتی پایتخت

کتابفروشی حاج محمدرحیم خوانساری با نام «کتابخانه اقبال» به محمدحسین اقبال که در آن دوران ۱۵ سال داشت، واگذار و چاپخانه «نهضت» هم به محمدباقر سپرده شد. انتشارات اقبال در سال‌های نخست فعالیتش کتاب‌های مذهبی منتشر می‌کرد و به همت این انتشارات نخستین قرآن رحلی رنگی منتشر شد. همچنین در سال ۱۳۱۵ نخستین کتاب قرآن با ترجمه صفحه مقابل را هم منتشر کرد. اقبال نقل می‌کند: «یکی از بنیادی‌ترین فعالیت‌هایی که در انتشارات اقبال انجام شده و در مدت بیش از یک قرن اخیر و تا امروز تعطیل نشده، چاپ تقویم است. حاج محمدحسین اقبال به کمک حاج شیخ اسماعیل مصباح (نجم‌الممالک) در سال ۱۲۹۶ نخستین تقویم را منتشر کرد.» نصرالله حدادی در ادامه بیشتر توضیح می‌دهد: «این تقویم مرجع مهمی برای علما و مورخان در تعیین زمان عید سعید فطر و یوم‌الشک ندانستن این روز و مشخص شدن آخرین روز زمستان و نخستین روز بهار به شمار می‌رفت. همچنین با همکاری محمدباقر نهضت و سیدحسین رمزی، در سال ۱۲۸۲، نخستین شماره مجله اجتماعی ـ انتقادی اقبال منتشر شد. از این مجله در مجموع ۹ شماره منتشر شده که شماره‌هایی از آن در کتابخانه ملی ایران موجود است. جالب است بدانید که کتابفروشی اقبال از ۱۲۹۹ برای مدتی، محل فروش نخستین شماره‌های مجله عالم‌نسوان هم بود. نشر شماری کتاب درسی از سال ۱۳۲۸، انتشار مجموعه تاریخ تمدن ویل دورانت که از ۱۳۳۶ با همکاری انتشارات فرانکلین آغاز شد و در ۱۳۵۹ به پایان رسید، از جمله فعالیت‌های ویژه این انتشارات و کتابفروشی صد و چند ساله است.»

بوی کتاب را به بوی ادکلن ترجیح می‌دهیم

نصرالله حدادی گردشگران را به پاساژ مجیدی در کوچه حاج نایب که روزگاری مرکز عرضه کتاب بود، می‌برد و تاریخ نشر را اینگونه روایت می‌کند: «این کوچه و پاساژ مجیدی در دهه ۵۰ پررونق بود. با وجود اینکه همه کتاب‌های مذهبی می‌فروختند، اما هیچ‌کسی رقیب هیچ‌کس نبود. می‌توانم به‌طور قطع بگویم در این کوچه بیش از ۲۰۰ ناشر و کتابفروش وجود داشتند. وضعیت کتاب ابتدای دهه ۶۰ خوب بود ولی نخستین آثار نزول و سستی کتاب از ۱۳۶۵ شروع شد؛ و از سال ۷۰ به بعد که آتش جنگ خوابید، با گران شدن مواد اولیه، بیشتر نمود پیدا کرد.

این اتفاق در دهه ۸۰ به نوعی توان ناشران را فروکاست و در دهه ۹۰ ورود پدیده‌ای به نام چاپ دیجیتال باعث شد تا برخی از انتشاراتی‌ها تعطیل شود و نشر و فروش کتاب تحت‌تأثیر قرار گیرد.»

مغازه کتابفروشی در این حوالی وجود دارد ولی اغلب مغازه‌ها تغییر کاربری داده‌اند. ما بوی کتاب را به بوی عطر و ادکلن ترجیح می‌دهیم. چون با بوی کتاب مأنوس هستیم و هیچ وقت بوی کتاب را به عطر و ادکلن نخواهیم فروخت. ۴۴سال است استقامت کرده‌ایم. با اینکه بازار کتاب آنچنان رونق ندارد ولی همانطور که گفتیم پای کتاب ایستاده‌ایم و امیدواریم که دوباره رونق به این کوچه برگردد.»

قدیمی‌ترین کتابفروشی تهران

سال: ۱۲۸۰

نشانی: ابتدای تیمچه حاجب‌الدوله، اکنون: خیابان پانزده خرداد

۲ناشر بزرگ «کتابفروشی اسلامی» و «انتشارات اسلامیه» از مراکز قدیمی توزیع و نشر کتب شیعی در تهران به‌شمار می‌روند. سیدمحمدعلی کتابچی مغازه کتابفروشی‌اش را در سال ۱۲۸۰ در تیمچه حاجب‌الدوله راه‌انداخت و تا قبل از سال ۱۲۸۰هم با عنوان «کتابچی» فعالیت می‌کرد. در نهایت بعد از چند بار جابه‌جایی، چندین سالی می‌شود که چراغ این کتابفروشی در خیابان پانزده خرداد روشن است. ابتدا عنوان این کتابفروشی، کتابفروشی علمی اسلامیه بود و بعدها عنوان «اسلامیه» انتخاب و ماندگار شد. سال ۱۳۰۰ نیز در کنار کتابفروشی، انتشارات اسلامیه را راه‌اندازی شد. کتاب‌ها اوایل از بمبئی و پاکستان وارد می‌شد؛ اما بعدها با ظهور چاپ سنگی، قرآن و ادعیه در چاپخانه اسلامیه و در ایران منتشر شد. قبل از اسلامیه کتابفروشی‌های دیگری هم بودند، اما به مرور تعطیل شدند و این کتابفروشی، قدیمی‌ترین کتابفروشی‌ای است که از آن زمان تاکنون به فعالیت خودش ادامه داده است.

نخستین ترجمه‌های آثار فرنگی در مدرسه مدرن

سال: ۱۲۴۲

نشانی: خیابان ناصرخسرو

مدرسه دارالفنون که شماری از نخستین اتفاقات تاریخ‌ساز تهران را در دل خود جای داده است، میزبان نخستین کتابخانه تهران هم بوده است. جالب است بدانید که معلم فرانسه این مدرسه، جسدش را قبل از مرگش برای تشریح و با هدف کمک به آموزش دانشجویان پزشکی فروخت و با پول آن کتابخانه دارالفنون را تجهیز کرد. این کتابخانه توسط اعتضادالسلطنه، وزیر علوم و رئیس مدرسه، در سال ۱۲۴۲ شکل گرفت. کتب معتبر خارجی، ایرانی و عربی نخستین کتاب‌های این کتابخانه بوده‌اند. از سوی دیگر، معلمان اروپایی هم ناگزیر بودند دست‌کم سالی یک جلد کتاب در رشته تدریس خود تألیف کنند. این کتاب‌ها را مترجمان دارالفنون به فارسی برمی‌گرداندند. اما کتابخانه بزرگ دارالفنون در زمان وزارت محمودخان علاءالملک به کتابخانه دولتی (ملی) واگذار شد. هنوز هم در کتابخانه ملی ایران آثار زیادی از معلمان و استادان و مترجمان دارالفنون موجود است که تألیف یا ترجمه شده‌اند.

بین‌الحرمین، دروازه دولاب و سوغات خوانساری‌ها

داریوش شهبازی تهران‌شناس

کتاب و کتابخوانی از اواخر دوره ناصری و با انتشار روزنامه رواج پیدا کرد. «کاغذ اخبار» نخستین روزنامه‌ای بود که انتشارش به دوره محمدشاه قاجار برمی‌گردد و بعد از آن هم چاپ و نشر روزنامه‌های دیگر در دوره ناصری ادامه پیدا کرد. از آنجا که مردم امکانات مالی چندانی برای خرید روزنامه نداشتند و بسیاری هم سواد خواندن نداشتند، محل‌هایی با نام «قرائتخانه» در تهران و برخی شهرها ایجاد شد تا مردم بتوانند در آنجا روزنامه بخوانند و افراد باسواد در قرائتخانه و قهوه‌خانه‌ها، مطالب را برای کسانی که سواد نداشتند می‌خواندند. این رویه در دوره مظفری و اواخر قاجاریه ادامه داشت، اما در دوره پهلوی اول کمتر شد و قرائتخانه‌ها تعطیل شدند.

با این توضیح، باید گفت کتاب و دایر شدن کتابخانه‌ها با صنعت چاپ ارتباط دارد. پیشینه فعالیت چاپخانه را هم باید در تبریز جست‌وجو کرد. در واقع فتحعلی‌شاه با نگاه به تبریز دستور داد در تهران هم چاپخانه دایر شود. از دوره محمدشاه به بعد چاپخانه‌های متعددی در محله‌های مختلف تهران تأسیس شد. چاپخانه مشهورترین روزنامه آن دوره به نام روزنامه وقایع اتفاقیه، نزدیک محله دروازه دولاب کار خود را شروع کرد. اما پیشینه کتابفروشی‌ها در تهران به دوران ناصری مربوط می‌شود و ریشه اصلی آن به شهر خوانسار می‌رسد. نخستین کتابفروشی‌ها توسط خوانساری‌ها در تهران و در محله بازار حلبی‌فروش‌ها، بین‌الحرمین و بعد از آن در خیابان ۱۵ خرداد، ناصریه و... فعالیت خود را شروع کردند و به‌تدریج تعداد کتابفروشی‌ها و چاپخانه‌ها در تهران بیشتر شد.

این را هم ناگفته نگذاریم که پیشینه کتابخانه در ایران به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. در تهران و در دوره قاجار و به‌خصوص دوره ناصری، کتابخانه عمومی وجود نداشت تا مردم بتوانند از آن استفاده کنند. در واقع، نخستین کتابخانه‌های عمومی در دوره پهلوی راه‌اندازی شدند. با وجود اینکه تعداد کتابخانه‌ها کم بود، اما در تشویق کتابخوانی به‌خصوص برای نسل جوان بسیار تأثیرگذار بود. امروز تعداد کتابخانه‌ها بیشتر شده و تقریباً در هر محله‌ای از تهران کتابخانه عمومی دایر شده اما به جرأت می‌توان گفت که هر روز تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها کمتر و کمتر می‌شود.

مسائل اقتصادی در کاهش قدرت خرید کتاب و آمار مطالعه نقش مؤثری دارد. به هر حال وقتی خانواده‌ای درگیر مسائل اقتصادی باشد سراغ خرید کتاب نمی‌رود. در چنین شرایطی مدیران فرهنگی وظیفه دارند با اجرای برنامه‌هایی به‌خصوص برای کودکان و نوجوانان، این گروه سنی را به کتابخوانی تشویق و ترغیب کنند. برگزاری مسابقات کتابخوانی یا جلسات دورهمی که با موضوع کتاب برگزار می‌شود از راه‌هایی است که می‌تواند در مدارس یا سراهای محله اجرا کرد. این کار موجب می‌شود تا آن جمع با کتاب‌های بیشتری آشنا و به کتابخوانی ترغیب شوند. برنامه‌های فرهنگی در محله‌های تهران و کتابخانه‌های عمومی موجب می‌شود تا این مراکز به پاتوق فرهنگی محله‌ها برای دیدار اهالی، کودکان و نوجوانان و جوانان با نویسندگان تبدیل شود.